



تأثیر تغییر فرم بالاپوش مردانه عصر قاجار بر ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی (از منظر طرح، نقش، رنگ و جنسیت)*

آمنه مافی تبار^{۱*}، سید عبدالمجید شریف‌زاده^۲

^۱ استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
^۲ استادیار گروه هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

(دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳، پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰)

چکیده

در دوران حکومت قاجاریان، تغییرات شگرفی در پوشاک مردانه رخ نمود که به تبع، ویژگی‌های کیفی منسوجات مورد استفاده در این کاربرد را تحت الشعاع قرار داد. هدف این مقاله، بررسی پارچه‌های مصرفی در بالاپوش مردانه عصر قاجار از منظر طرح، نقش، رنگ و جنسیت است با این پرسش که «تأثیر تغییرات فرمی بالاپوش مردانه عصر قاجار بر ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی همچون طرح، نقش، رنگ و جنسیت چگونه بروز یافت؟» جهت دست‌یافت به نتیجه این پژوهش تحلیلی-تاریخی به منابع مکتوب و مصور همچون سفرنامه‌ها و تصاویر مبتنی بر عکس و نقاشی رجوع شد و مشخص گردید: در ابتدای عصر قاجار، پارچه قبايي صاحب طرح و نقش گیاهی بود و در بازه رنگی وسیع تعریف می‌شد اما از همان اوان قاجار، منسوجات تک‌رنگ در جنسیت‌های متنوع در دوخت قبا کاربرد داشت که در عرصه تاریخ، دوام بیشتری پیدا کرد. در عهد ناصری، سرداری به تدریج جایگزین قبا شد و معمولاً پارچه‌های صنعتی با رنگ‌های محدود در دوخت آن به کار آمد. کلیچه به‌عنوان پوشش فاخر زمستانی، در ابتدا بیشتر با پارچه‌های منقوش به صور گیاهی کارایی داشت؛ در مقابل جبه و عبا با شال‌های ترمه یا منسوجات پشمی خودرنگ ساده شناخته می‌شد. در مجموع پارچه‌های کاربردی در پوشش بیرونی مردانه عصر قاجار به آهستگی به سادگی میل کرد، به طوری که با تغییر فرم قبا به سرداری، طرح، نقش و حتی رنگ‌های درخشان از بالاپوش مردانه رخت بربست؛ و پارچه‌های مورد استفاده در دوخت پوشش ملوکانه کلیچه نیز همچون جبه به انواع ساده یا ترمه محدود شد.

واژگان کلیدی

پارچه قاجار، بالاپوش مردانه، قبا، سرداری، کلیچه، جبه.

استناد: مافی تبار، آمنه؛ شریف‌زاده، سید عبدالمجید (۱۴۰۲)، تأثیر تغییر فرم بالاپوش مردانه عصر قاجار بر ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی (از منظر طرح، نقش، رنگ و جنسیت)، نشریه رهپویه هنرهای تجسمی، ۶(۲)، ۷۷-۸۷. DOI: <https://doi.org/10.22034/RA.2023.1972636.1271>

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده اول با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های عصر قاجار» می‌باشد که در قالب ارتباط دانشگاه هنر با جامعه و صنعت در پژوهشگاه هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ارائه شده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۹۱۲۳۳۹۵۹۷ E-mail: a.mfitabar@art.ac.ir



مقدمه

کاربردی در این مصرف مشتمل بر طرح، نقش، رنگ و جنسیت مورد ژرف‌نگری قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

دربارهٔ منسوجات مورد استفاده در لباس مردانهٔ عصر قاجار، منابع متعددی به رشتهٔ تحریر درآمده که با بررسی کلیت پوشاک این عهد، شیوه‌های تولیدی پارچه‌های مورد استفاده را در مسیر موازی و فارغ از ارتباط با سیر تطور پوشاک، صرفاً از جهت فراز و فرود تاریخی مورد اشاره قرار داده است. هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی از غیبی مصداق این سخن است که در فصلی از خود به پوشاک عصر قاجار و مختصری از منسوجات آن پرداخته است (۱۳۸۵). در سال‌های اخیر مکتوبات دیگری همچون پوشاک عصر قاجار از مونس سرخه (۱۳۹۶) و سیری در مد و لباس دوره قاجار از مبینی و اسدی (۱۳۹۶) به چاپ رسیدند که رویکرد صاحب تأثیری نسبت اثر متقدم اتخاذ نکردند. مورد دیگر، پوشاک دوره قاجار از شهشانی است که هر چند اطلاعات ارزشمندی را در حوزهٔ البسهٔ قاجاری طرح می‌کند اما از آنجا که نتایج این پژوهش، فارغ از طبقه‌بندی مناسب ارائه شده؛ پراکنده‌گی موجود بر کیفیت متن نسبت به مطالعات پیشین اضافه نمی‌کند (۱۳۹۶). به این ترتیب می‌توان مدعی بود آنچه تاکنون به‌عنوان پیشینه طرح شد مسئلهٔ لباس مردانهٔ قاجاری را فارغ از تدقیق در ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی مرور کرده و در سایهٔ شناسایی کلیت پوشاک دوره قاجار به معرفی خصایص شکلی انواع پوشش ایشان اکتفا می‌نماید که در همین سطح نیز برخی از این منابع به دلیل معادله‌نگاشتن برخی از انواع پوشش به کاستی دچار است. همچنان در حوزهٔ پوشش مردانه قاجاری به‌صورت خاص بایست به «سیمای مرد مدرن: تحلیلی بر تحولات لباس مردان در ایران عصر قاجار» از محمدی و سید احمدی زاویه در تحقیقات تاریخ اجتماعی اشاره کرد (۱۳۹۷) که آن نیز با همان سوئیهٔ پیشین، حول محور تغییر و تطور پوشاک تدوین شده و به تبع طرح، نقش و جنسیت منسوجات را محل توجه قرار نداده است. پوربختیار نیز در «پوشاک و نقش آن در انعکاسات تمایزات اجتماعی عصر قاجار بر اساس نظریه تمایز بورديو» در فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی چنین نگاهی را البته با دقت بیشتر در جزئیات و رجوع به منابع تاریخ‌نگاری دست‌اول دنبال کرده است (۱۴۰۱). اما در سوئیهٔ مقابل از جهت شناسایی طرح و نقش منسوجات مورد استفاده در پوشاک، مافی تبار و کاتب با انتشار «بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری» در پژوهش هنر، منسوجات قاجاری را در نوع زنانه، مردانه و حتی کاربردی در مصارف روزمره در سبک خاص نقاشی‌های موسوم به پیکرنگاری درباری بررسی کرده‌اند (۱۳۹۷) که دایرهٔ این مطالعه نیز به دورهٔ فتحعلی‌شاه محدود می‌شود. افزون بر آن، «پوشش زنانه و مردانهٔ عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک شب صنایع‌الملک» در باغ نظر مورد دیگری به قلم مافی تبار است که زاویهٔ نگاه فوق را این بار در نگاره‌های هزارویک شب صنایع‌الملک و در نیمهٔ نخست حکومت ناصرالدین‌شاه دنبال می‌کند (۱۴۰۰). در مجموع، آنچه

قاجاریان نزدیک به یک‌صد و سی سال بر ایران فرمان راندند (۱۳۴۳/ ۱۹۲۵-۱۳۱۰/ ۱۷۹۶). در این بازهٔ زمانی طولانی، تغییرات شگرف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جهان به وقوع پیوست که تأثیرات فرهنگی آن بر تمام جوامع از جمله ایران قابل‌بازیابی است. یکی از مهم‌ترین این دگرگونی‌ها در عرصهٔ پوشاک ایرانیان ظاهر می‌شود که معمولاً دربارهٔ لباس زنانه آن‌هم در وجه اندرونی و بیشتر در عصر ناصرالدین‌شاه به مطالعه درآمده است اما مقالهٔ پیش‌رو می‌کوشد تا وجوه این تطور را در پوشش بیرونی مردانه و آن‌هم از جهت پارچه‌های کاربردی در این مصرف به چالش بگردد و پرسش آن است: «تأثیر تغییرات فرمی بالاپوش مردانهٔ عصر قاجار بر ویژگی‌های کیفی منسوجات مورد استفاده همچون طرح، نقش، رنگ و جنسیت چگونه بروز و ظهور یافت؟» در ضرورت انجام این پژوهش آنکه معمولاً پوشاک عصر قاجار و کم‌تر منسوجات آن عصر - جز از دریچهٔ تبیین افول و اضمحلال - به مطالعه درآمده‌اند. از سویی در بررسی پوشاک قاجاری نیز معمولاً پوشش زنانه آن‌هم در زمان فرمانروایی دو پادشاه مشهور قاجار یعنی فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه محل توجه بوده و کلیت پوشاک این سلسلهٔ تاریخی به‌ویژه در جنس مردانه کم‌تر به چالش درآمده است چنانکه حتی به‌رغم تکرار مکررات، برخی از انواع پوشش‌های مردانه همچون قبا و جبه به‌درستی از دیگری تفکیک نشده و در بسیاری موارد بدون تمییز، معادل یکدیگر قرار گرفته است. به این ترتیب مقاله حاضر با اشارهٔ مختصر به مبادی طرح، نقش و جنسیت پارچه‌های قاجاری و همین‌طور معرفی اصلی‌ترین اجزاء بالاپوش‌های مردانه در عصر قاجار، سیر تحول ویژگی‌های کیفی منسوجات را در این مصرف و البته از منظر اسناد مکتوب و تصویری به مذاقه می‌گیرد و نتیجه را عرضه می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش کیفی حاضر به شیوهٔ تحلیلی - تاریخی نسبت به بررسی منسوجات کاربردی در بالاپوش مردانهٔ عصر قاجار اقدام می‌کند. جهت دست‌یافت به این هدف، از میان منابع مکتوب دست‌اول قریب به سی سفرنامه به قلم آنتوان اولیویه^۱، موریس دوکوتزبویه^۲، جیمز موریه^۳، جیمز فریزر^۴، جیمز تانکوانی^۵، ادوارد اسکات و ارینگ^۶، گاسپار درویل^۷، الکسیس سولتیکف^۸، اوژن فلاندن^۹، آرتور دوگوبینو^{۱۰}، هینریش بروگش^{۱۱}، ایزابلا بیشوپ^{۱۲}، یاکوب پولاک^{۱۳}، ژوانس فورویه^{۱۴}، ژان دیولافوا^{۱۵}، سرپرسی سایکس^{۱۶}، جرج کرزن^{۱۷}، س. ام. مک‌گور^{۱۸}، جان ویشارد^{۱۹}، چارلز جیمز ویلز^{۲۰}، ویلفرد اسپروی^{۲۱}، الادوراند^{۲۲}، اوژن اوین^{۲۳}، هوگو گروتیه^{۲۴}، فرانسیس فوربز لیث^{۲۵}، هرمان نوردن^{۲۶}، فریا استارک^{۲۷} مورد فیش‌برداری قرار می‌گیرد و اسناد مصور مبتنی بر عکس و نقاشی به مطالعه درمی‌آید تا اطلاعات لازم برای این پژوهش توسعه‌ای به روش اسنادی و با ابزار متن‌خوانی و تصویرخوانی گردآوری شود. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌بندی احتمالی صورت می‌گیرد تا از جامعه آماری مشتمل بر بالاپوش‌های بیرونی مردان قاجار (قبا و شال کمر، سرداری، جبه، عبا و کلیجه)، متغیرهای وابستهٔ پژوهش یعنی ویژگی‌های کیفی منسوجات



از کلیجه استفاده شد. به طوری که می‌توان مدعی بود هر چند مقامات و رجال مملکتی و همین‌طور روحانیون دینی همچنان به جبهه و عبا وفاداری داشتند اما در عمل این بالاپوش‌ها در سیر تحولی خود با سرداری و کلیجه جایگزینی یافت و در آخر همگی آنها در سایه ورود پوشش‌های غربی مثل پالتو و کت ناپدید شد.

قبا و شال کمر قاجاری

در بازه طولانی از عصر قاجار و پیش از سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا، قبا که تشخص فرد پوشنده را تعیین می‌کرد با دامن بلند پوشیده می‌شد. بالاتنه آن تا کمر چسبان و دامن آن به شکل کلوش بود (تصویر ۱) اما در دوره ناصرالدین‌شاه، بلندی دامن قباها به تدریج تا بالای زانو تقلیل یافت (تصویر ۲). در کل، قباها انواع گوناگونی داشت گاهی تا ساق پا، جلوپاز و گاه کوتاه بود؛ گاهی طرف چپ‌روی طرف راست قرار می‌گرفت، گاه شال بسیار زیبایی روی آن بسته می‌شد و بعضی مواقع به‌ویژه در موارد متأخر به وسیله دکمه‌هایی تزئین می‌یافت و البته در برخی، آستین آن سنبله‌دار بود (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۵۳). درباره فرم قبا آنکه پیش‌تر و در عهد صفوی که شاه‌عباس می‌خواست تاجران را به صرفه‌جویی وادار کند فرمانی صادر کرد که طبق آن تاجران باید همیشه قباهای بلند بپوشند. گمان او این بود که این ارزان‌ترین لباسی است که می‌توانستند بپوشند زیرا کل بدن را می‌پوشاند و بعد از فوت تاجران نیز بچه‌هایشان می‌توانستند همان لباس‌ها را به تن کنند... (وارینگ، ۱۳۹۷: ۹۰). این امر که در نتیجه گرانی منسوجات در ایران بود سبب شد تا فقرا همواره در تأمین نیاز اولیه پوشش خود ناتوان باشند چنانچه در موضوع خدمه آنان که حتی در خانه یک وزیر هم دیده می‌شد همه دارای البسه کتیف مندرس بودند (دوکوتزبوتنه، ۱۳۶۵: ۲۷۶). از لحاظ جنسیت پارچه، ممکن بود قبا مردانه در تابستان از پارچه ریسمانی (پنبه‌ای) و در زمستان، پارچه محشور از پنبه باشد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۵) یعنی لباس عموم مردان، قبا تنگ سینه‌بازی بود که تا قوزک پا می‌رسید. فقرا آن را از پارچه‌های ضخیم و اغنیا از ماهوت انگلیسی و اشراف آن را از پارچه‌های زربفت تهیه می‌کردند (دوکوتزبوتنه، ۱۳۶۵: ۱۸۶؛ تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). گونه دیگری از قبا موسوم به «بغلی» که سینه را می‌پوشاند، با لایه پنبه و چون گرم‌تر بود بیشتر تن پوش زمستان به حساب می‌آمد (موریه، ۱۳۸۶: ج ۱: ۲۷۴). درباره رنگ نیز بیشترین شواهد تصویری و مکتوب بعد از میانه قاجار بر قبای تک‌رنگ گواهی می‌دهد. قباهایی که معمولاً سبز، زرد، آبی، بنفش، قرمز و... از جنس قدک یا ابریشم یزد و کاشان موسوم به نافته بود. با وجود این، قباهایی از پارچه زری با نقوش گل طلایی و نقره‌ای یافت کاشان دیده می‌شد که به لباس آبی کلیسا شباهت داشت (پولاک، ۱۳۶۸، ۱۰۷) (تصویر ۳). چنانکه اوایل قاجار، قبا در نوع اعلاء جامعه زردوزی شده از ابریشم یا پنبه رواج داشت (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). درباره طرح و نقش منسوجات مورد استفاده در دوخت قبا، پارچه بدون طرح و نقش در بازه تاریخی طولانی از رواج قبا در عصر قاجار، عام‌ترین بود. در واقع استفاده از پارچه ساده در دوخت قبا از ابتدای عصر قاجار قابل ملاحظه است اما به تدریج بهره‌گیری از آن در دوخت قبا روند صعودی

پژوهش پیش‌رو را از موارد پیشین متمایز می‌سازد، ایجاد هم‌زمانی در بررسی مسئله فرم لباس و ویژگی‌های صوری پارچه است. خاصه آنکه در ملاحظات معمول، صرفاً پوشاک دوره فتحعلی‌شاه یا ناصرالدین‌شاه، به صورت موضعی و آن‌هم بیشتر از منظر پوشش زنانه مطمح نظر قرار می‌گیرد در حالی که مقاله حاضر، کلیت این دوره تاریخی را از باب پوشش بیرونی مردانه به چالش درمی‌آورد و جهت حفظ جامعیت بحث فقط بر بالاپوش‌های رایج مردانه در جامعه شهری تمرکز می‌کند تا از این مسیر، تفکیک و تمایز دقیق آن میسر گردد. با این نگاه، دست‌یافت به هدف پژوهش یعنی بازشناسی تأثیر تحولات پوشاک مردانه قاجاری بر ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی با رجوع به منابع تاریخ‌نگاری (سفرنامه‌ها) و مصور (نقاشی و عکس) محقق خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم طرح، نقش و جنسیت در منسوجات قاجاری

بر اساس اسلوب هنرهای سنتی در تقسیم‌بندی انواع منسوجات، طرح، به ساختار کلی و نقش به جزئی از آن معنی می‌شود. به‌واقع طرح، یک مفهوم کلی است و نقش به معنی یک تکه از آن است. بر این اساس افزون بر انواع پارچه‌های ساده (بدون طرح و نقش)، اقسام دیگر را به محرابی^{۱۸}، ترنج‌دار^{۱۹}، واگیره‌ای (مشمتمل بر واگیره‌های ساده^{۲۰}، انواع قابی^{۲۱} و محرمت^{۲۲})، روایی^{۲۳}، کتیبه‌ای^{۲۴}، افشان^{۲۵} و تلفیقی تقسیم کرده‌اند (مافی‌تبار، ۱۳۴۰: ۱۱۳). در مقابل، نقش در دست‌بافته‌ها عناصر مجزا یا مرتبط به یکدیگر است که شاکله‌ای را در قالب طرح به وجود می‌آورد یعنی طرح، ترکیب کلی عناصر تزئینی است که ساده‌ترین جزء معنی‌دار آن به نقش مشهور است که معمولاً طبقه‌بندی موضوعی درباره آن لحاظ می‌گردد و طی آن «نقش‌ها به انواع انسانی، جانوری، گیاهی، هندسی، جمادی و تلفیقی تقسیم می‌شود» (تامسن، ۱۳۸۹: ۲). مسلم آنکه بخش عمده پارچه‌های قاجاری مورد استفاده در لباس، اعم از زنانه یا مردانه، به دلیل تناسب با خصایص نقش‌اندازی پارچه در این عصر و البته نوع کارکرد یعنی پوشاک؛ با طرح‌های واگیره‌ای و نقوش گیاهی شناخته می‌شود. درباره جنسیت منسوجات قاجاری نیز انواع پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی گونه‌های قالبی است که مستندات تاریخی بر تولید و حتی صادرات آن گواهی می‌دهد.

بالاپوش مردانه در عصر قاجار

اگر بالاپوش را به معنی چیزی دانست که روی لباس پوشیده می‌شود (یعنی روبوش)، اصلی‌ترین اجزاء بالاپوش مردانه عصر قاجار در قالب قبا و شال کمر، سرداری، کلیجه، جبهه و عبا قابل تعریف است. قبا، نخستین جامعه بیرونی مردانه قاجاری بود که امکان داشت عبا، جبهه یا کلیجه به تناسب فصل و ضرورت روی آن پوشیده شود. فارغ از جنسیت و صرفاً از حیث شکلی، یکی از مبرزترین تفاوت‌های جبهه و قبا آن بود که شال کمر صرفاً برای قبا استفاده داشت. موردی که در بازشناسی این دو نوع پوشش در تصاویر مؤثر خواهد افتاد. در دوره ناصرالدین‌شاه، سرداری روی کار آمد و به تدریج جایگزین قبا شد. در دوره رواج سرداری، عبا برای عامه مردم تقریباً از رونق افتاد و به‌عنوان روپوش سرداری در فصل سرد، بیشتر



واردات پارچه، تنها شاهزاده‌ها، شال کشمیری داشتند پس در زمان رواج شال کمر، معمولاً اغنیا در درجه اول، شال کشمیری یا در درجه دوم شال کرمانی داشتند (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵؛ دو کو تزیوئه، ۱۳۶۵: ۱۸۶؛ موریه، ۱۳۸۶، ج. ۲: ۲۵۶؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۷) چون شال کشمیری شش برابر گران‌تر از شال کرمانی بود و آنان را که استطاعت بستن شال ترمه نبود به بستن کمربندی از دیگر جنسیت‌ها قناعت می‌کردند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۶). شال اگر کشمیر یا معمولی کرمانی نبود از چیت انگلیس یا از چیت گل‌دار موصلی تهیه می‌شد و در هر صورت اندازه ویژه هشت یارد درازا و یک یارد پهنا داشت (موریه، ۱۳۸۶، ج. ۱: ۲۷۵). حتی گاه شال کمر از جنس چلووار سفید بود. معمولاً بیشتر مردان از اقشار مختلف جامعه عادت به بستن این نوع شال‌ها داشتند. ادبا، دانشمندان و اهل قلم، قلمدان و کاغذ خود را پر شال قرار می‌دادند و برای دیگر مردم شال به‌عنوان جیب جهت قراردادن بعضی وسایل مثل دستمال به کار می‌رفت. برای اوباش محل قراردادن چاقو و برای شاهزادگان و فراشان حکومتی جای قراردادن خنجرهای سرکج نوک‌برگشته یا شمشیر بود (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۴؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۸۹؛ موریه، ۱۳۸۶، ج. ۱: ۲۷۵؛ نوردن، ۱۳۵۶: ۶۰؛ استارک، ۱۳۶۴: ۹۲). بدین ترتیب شال، کمرپیچی از پارچه‌های گوناگون ساده و الوان، ارزان و گران از کرباس و متقال تا ابریشم و ترمه و مخمل و امثال آن بود که به دور کمر بسته می‌شد. در خاصیت اول جهت بسته نگه داشتن جلوی قبا و آراستگی پوشنده و دوم برای حفظ پهلوها از سرماخوردگی بود؛ همراه با زینت‌هایی که در خود پارچه از میلیه‌دوزی، زر و نقره‌دوزی

پیدا می‌کند و سبب می‌شود انواع منقوش از صحنه به در شوند. در نتیجه نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی‌شده در تصاویر قبای این عهد گواه بر رواج نسبی انواع قبای طرحدار با نقش گیاهی در دوره آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه است (تصویر ۴). در مقابل در دوره محمدشاه، ناصرالدین‌شاه، به تدریج منسوجات ساده در دوخت قبا برتری پیدا می‌کند (تصویر ۵). در این بین، منسوجات طرحدار و آگیره‌ای به حیات کم‌جان خود در دوخت قبای مردانه ادامه می‌دهد (تصویر ۶) اما استفاده از بقیه طرح‌ها به تمامی رهپویه افول می‌یابند. به لحاظ نقش‌پردازی نیز در صورتی که پارچه قبایی به تزئین آراسته بود ظاهراً انواع گیاهی (طبیعت‌گرا و انتزاعی) یک‌ه‌تاز می‌نمود. در مقابل صور انتزاعی به دلایل متعدد از جمله سهولت بیشتر در بافت در سرتاسر دوره رواج قبا در دوره قاجار (یعنی از ابتدای شکل‌گیری تا دوره ناصری) محبوبیت افزون‌تری داشت.

نکته دیگر آنکه در عصر قاجار، تا پیش از رواج کمربند در دوره ناصری (تصویر ۶)، مردم عادی به دور کمر، شال می‌بستند (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۶). البته در همان دوران یعنی پیش از رواج کمربند، برخی از کارمندانی که با شاه تماس داشتند و همین‌طور نظامیان، کمربند چرمی داشتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۷). اما در صورت کلی، مردان تا پیش از رواج کمربند روی قبا، شالی مانند نوار به گرد کمر می‌پیچیدند که از آن شخصیت صاحب شال معلوم می‌شد. چه بعضی، شال هندی ساده، ململ یا کشمیر کرمان و تبت را به کار می‌بردند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۵۴). درباره برخی جزئیات دیگر درباره شال کمر آنکه پس از ایجاد محدودیت در



تصویر ۳. مرد قاجاری با قبای طرحدار و آگیره‌ای با نقش گیاهی طبیعت‌گرا. موزه هرمیتاژ (سنت پترزبورگ). منبع: (URL 2)



تصویر ۲. مردان با قبای کوتاه تک‌رنگ و آستین‌سنبوسه‌دار و شال بسته شده بر کمر. در هزارویک شب صنیع‌الملک. کاخ موزه گلستان (تهران). منبع: (براساس آرشیو تصاویر موجود در موزه)



تصویر ۱. فتحعلی‌شاه با قبای ساده و بدون طرح و نقش. اثر مهر علی. موزه هرمیتاژ (سنت پترزبورگ). منبع: (URL 1)



تصویر ۶. مرد قاجاری عصر ناصری با قبای آبی طرحدار و آگیره‌ای و نقش گیاهی. موزه هرمیتاژ (سنت پترزبورگ). منبع: (URL 4)



تصویر ۵. حاجی میرزا عباس ابروانی از رجال قاجاری با قبای ساده آبی‌رنگ. موزه بریتانیا (لندن). منبع: (URL 3)



تصویر ۴. عباس میرزا با قبای طرحدار و آگیره‌ای و نقش گیاهی. کاخ موزه گلستان (تهران). منبع: (براساس آرشیو تصاویر موجود در موزه)



عالی‌رتبه مثل وزرا، قضات، دکترها، روحانیون و دیگر مقامات از پارچه‌های مرغوب استفاده شود (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۳). با این وجود بر اساس اسناد تصویری به نظر می‌رسد اوج رواج جبه در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار باشد چراکه در تصاویر به‌جای مانده از فتحعلی‌شاه، محمدشاه و وابستگان ایشان، جبه کم‌تر بر تن آنها ظاهر می‌شود اما در تصاویر نیمه نخست عصر ناصری، جبه به کرات بر تن رجال قاجاری قابل ملاحظه است و در این میان، پارچه شال ترمه برتری ویژه‌ای دارد. به طوری که در یک تقرب کلی می‌توان مدعی بود در تهیه ماده اولیه، جبه تازمانی که بیشتر استفاده داشت (میانۀ عهد ناصری و پیش از رواج سرداری) وزنه سنگین به‌سوی پارچه پشمی شال میل می‌کرد که معمولاً از کشمیر (وارداتی) یا کرمان (در زمان رونق تولید داخلی) تأمین می‌شد: «رولباسی معمول ایرانی‌ها؛ جبه ایرانی است که شهر کرمان نیز از لحاظ تهیه آن شهرت تامی دارد و حدود پنج هزار طاقه آن که حدود چهار هزار پوند قیمت دارد و شبیه لباده پرفسورهاست که در کرمان تهیه می‌شود» (سایکس، ۱۳۹۵: ۲۳۵). در مجموع با نظر به مانایی چنین شرایطی تقریباً تا پایان نیمه نخست عصر ناصری، یک نفر خارجی طرز زندگی ایرانی‌ها را تشریح می‌کند: «... لباس رسمی طبقه عالی نوکر، شال و کلاه است و جبه ترمه که از پدران به پسران ارشد می‌رسد و کهنگی و پارگی ندارد» (رحیم‌زاده، ۱۳۶۲: ۸۲). درباره طرح و نقش شال‌های کاربردی در دوخت جبه، در درجه نخست، طرح و آگیره‌ای و در درجه دوم، طرح‌های قابی (به‌ویژه بندی) با نقش گیاهی بته‌جقه فراوانی بسیار داشت (تصویر ۷) و پس از انواع طرح‌دار با نقش بته‌جقه (یعنی شال‌های ترمه و آگیره‌ای و بندی شاخ‌گوزنی^{۳۴}؛ نمونه‌های بدون طرح و نقش نیز در مرتبه سوم قرار می‌گرفت (تصویر ۸) و بر تن مردان ایرانی می‌نشست و پوشش ایشان را تکمیل می‌کرد. در این موارد نیز همچون نمونه‌های طرح‌دار، سراستین و حاشیه جلو به دقت و ظرافت با سجاف محرمات یا سوزن‌دوزی آراسته می‌شد و بر زیبایی لباس ایشان می‌افزود. در برخی موارد هم عملیات تکمیلی همچون انواع رودوزی به طبیعت جلوه بیشتر بر زمینه پارچه ساده دنبال می‌شد و در طراحی لباس نمود می‌یافت (تصویر ۹). اما درباره عبا آنکه کارکرد آن در ابتدای عصر قاجار با تبیین امروزی تفاوت داشت یعنی به علمای دینی شیعه محدود نمی‌شد بلکه بر تن هر

و مشابه آن به کاررفته، منگوله‌هایی که بر دو سرش آویزان می‌گردید (شهری، ۱۳۷۸، ج. ۲: ۴۸۶). این شال در جنگ، صلح، سفر و حضر هم زیرپوش و روپوش و هم حافظ تن و رافع احتیاج بود. آن را بالش کرده و زیر سرمی گذاشتند. با آن می‌توانست از چاه آب کشید و زخم را بست. در سرمای سخت ایران می‌توانست شانه و کمر را به‌وسیله آن شال حفاظت کرد (رحیم‌زاده، ۱۳۶۲: ۸۳). درباره طرح و نقش نیز بر اساس شواهد تصویری، شال محرمات با نقش گیاهی یا فارغ از آن پیش‌تاز میدان رقابت بود (تصاویر ۳، ۴ و ۶).

جبه و عبا قاجاری

ایرانی‌ها، نوعی لباس را در تشریفات دربار در تمام فصول سال می‌پوشیدند که بدون آن نمی‌توانست در دربار یا نزد بزرگان حضور پیدا کرد. ممتازترین آنها از ماهوت ارغوانی بود، این رنگ به شاهزادگان، نجبا و مأمورین عالی‌رتبه اختصاص می‌یافت. طبقات دیگر از رنگ‌های آبی، سبز یا قهوه‌ای استفاده می‌کردند (درویل، ۱۳۶۷: ۵۲). جبه شال از اوان قاجار رواج داشت (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۸۹، دو کو تزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۷۶) چنانکه جهانگرد اسکاتلندی می‌نویسد: «به جهت انجام امور دیوانی، پیرمردی نشسته که خود را در ردایی از شال پیچیده و سرش را با کلاهی از پوست بره سیاه پوشانده است» (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۷۸). این رسم در دوره محمدشاه نیز تداوم یافت، حتی در شهرستان‌ها این شیوه پوشش دنبال شد: «در شهر میانه، فرخ‌خان، با لباس پذیرایی، جبه از شال کشمیر با کمال ابهت نشسته بود. شاهزاده نیز ملبس به جبه شالی بود که آستر پوست داشت» (سولتیکیف، ۱۳۳۶: ۸۵ و ۵۹؛ فلاندن، ۱۳۵۶: ۶۱). در استمرار این پویایی تازمانی که جبه رواج داشت بنا بر مستندات مکتوب و تصویری پارچه پشمی شال یکه‌تاز بود: «در عید نوروز به دیدار ناصرالدین‌شاه رفتیم. از داخل چندین حیاط، مملو از رجال ملبس به جبه‌های مجلل گذشتیم. رئیس تشریفات که جبه‌ای بلند به تن و شال کشمیری زیبایی را حمایل خودساخته، کلاه‌پوستی بلندی به سر داشت. میرآخور هم جبه‌ای از جنس شال کشمیر به تن کرده بود» (ویلز، ۱۳۸۸: ۶۶ و ۲۸۵). زیرا متمولین و نجبای ایران، جبه‌های بسیار ظریف را گران‌بها قلمداد می‌کردند (ویلز، ۱۳۶۳: ۱۶۹) و از سویی رسم بر آن بود که در تهیه جبه‌های بلند، به‌عنوان روپوش‌های تشریفاتی کارکنان



تصویر ۸. فرزندان امین‌الدوله با جبه‌های از پارچه شال با طرح و آگیره‌ای و نقش گیاهی بته جقه (در میانه تصویر) و جبه‌هایی از پارچه ساده با سجاف‌دوزی محرمات (در طرفین تصویر). کتابخانه و موزه ملک (تهران). منبع: (URL 5)



تصویر ۷. رجال قاجاری با جبه‌هایی از پارچه شال با طرح‌های و آگیره‌ای (در جبه‌های سبز و زرشکی) و بندی شاخ‌گوزنی (در جبه‌های سفید، آکر و سورمه‌ای) با نقش گیاهی بته جقه. اثر صنایع‌الملک. کاخ موزه گلستان (تهران). منبع: (بر اساس آرشیو تصاویر موجود در موزه)



سرداری (کمرچین) قاجاری

سرداری در لغت به معنی منسوب به سردار و جامه کمرچینی است که مردان دوره قاجار روی لباس‌های دیگر می‌پوشیدند. سرداری، از میانه دوره قاجاریه (مقارن با اواسط دوره ناصرالدین‌شاه)، بالاپوش چین‌دار مردانه بود که بلندی آن تا بالا یا زیر زانو می‌رسید (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۶۰). به‌واقع سرداری، ردای بیرونی مردان از نیمه عصر ناصری به بعد و لباس نسبتاً گشادی بود که در ناحیه کمر، چین‌های متعدد داشت. پارچه‌های مورد علاقه ثروتمندان، در ابتدای رواج سرداری؛ ماهوت، ابریشم و کشمیرهای گل و بوته‌دار بود. لباس فقرا بیشتر از پارچه‌های ارزان قیمت مانند چیت و کتان تشکیل می‌شد (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۶؛ اسپروی، ۱۳۷۹: ۲۸). به این ترتیب مقارن با سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا (۱۸۷۳/۱۲۹۰، ۱۸۷۸/۱۸۷۸ و ۱۸۸۹/۱۳۰۶)، به عوض قبا، کت مخصوصی به نام کمرچین رواج یافت که جنس آن از پارچه چلوار رنگی، ابریشم، ساتین، پارچه‌های موج‌دار، شال کشمیر یا کرمان، ترمه زردوزی، پارچه‌های ابریشمی با گل‌های طلایی یا از مخمل خوش‌رنگ بود و تغییر نوع آن با توجه به فصل سال و سردی و گرمی هوا یا وسع مالی و مقام پوشنده آن تفاوت داشت (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۲؛ دوگوبینو، ۱۳۸۵: ۱۳). ظاهراً این پوشش در ابتدای رواج بیشتر از پارچه‌های نقش‌دار بود. چنانکه نوشته‌اند: «ناصرالدین‌شاه، لباس معمولی ایرانی‌ها را به تن داشت. کلاه بلند سیاهی از پوست بره بدون تزیینات بر سر نهاده و شلوار تیره‌رنگ مله‌دووزی، پوشیده و یک سرداری از شال کرمان روی آن بر تن کرده است» (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۳۲؛ بیشوپ، ۱۳۷۵: ۲۴). اما به تدریج و به موازات گسترش سرداری، پارچه‌های بدون طرح و نقش با رنگ‌های بی‌فام به‌ویژه مشکی به تمامی جایگزین دیگر انواع منسوجات کاربردی در این مصرف شد و این تحول در بدایت امر در طبقات ثروتمند و بعد عامه مردم رخ نمود، چنانکه برخی سیاحان و حتی پزشک ناصرالدین‌شاه می‌نویسند: «لباس آن شهریار، همیشه ساده است چنانکه اغلب سرداری از ماهوت مشکی یا شال کشمیری می‌پوشند» (ویلز، ۱۳۶۳: ۳۹؛ مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۱۹۲) یا در جایی دیگر با صراحت بیشتر ذکر می‌شود: چون شاهان ایران نیز سرداری سیاه‌رنگ به تن می‌کنند. (گروته، ۱۳۶۹: ۲۱۳). در تبعیت از این نگاه، شاهزادگان نیز کت سیاه گشادی می‌پوشیدند که در کمر آن چین‌های متعدد دیده می‌شد و در دربار ایران معمول شده بود (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۶۳). حتی حاکمان ولایات هم سرداری معمولی مشکی در بر می‌کردند (دوراندا، ۱۳۹۸: ۱۲۳؛ کرزن، ۱۳۶۲: ج. ۱: ۲۳۵). به‌واقع در یک استحالته تدریجی، لباس رویین مردانه که پیش‌تر در قالب قبا و جبه به صورت رنگین، معمولاً با پارچه‌های تک‌فام در قبا و انواع منقوش در جبه تعریف می‌شد، با سرداری جایگزین گردید و حتی در دوره‌های قبا و سرداری به موازات یکدیگر به کار آمد (تصویر ۱۱) چراکه در تحلیل آنچه با تاریخ پوشاک مرتبط است، تغییر به آهستگی همه‌گیر می‌شود و جایگزینی یک روش و منش با دیگری به ناگهان امکان‌پذیر نیست یعنی همواره در برهه‌ای، اضمحلال یکی و نضج گرفتن دیگری به صورت هم‌زمان قابل ملاحظه است. به‌هرروی به دلیل همین تعاطی در تغییرات فرمی لباس مردانه عصر قاجار، در ابتدا برای دوخت سرداری همچون جبه، استفاده از منسوجات طرح‌دار به‌ویژه

مردی قابل رؤیت بود و بیشتر با افراد کهن‌سال، بازاریان، روستاییان و اهل سفر نسبت می‌یافت. «عبادوزی از کارهای پررونق رایجی بود که مورد حاجت اکثریت مردان قرار داشت. عبا همچون چادر برای زنان، ساتر مرد به حساب می‌آمد. از دیگر خواص عبا ایجاد وقار برای پوشنده بود به شرطی که عبا بی‌درخور پوشیده باشد. از این رو دقت در امر عبا از جنس، رنگ و دوخت از ضروریات بود هرچند به دیگر ملبوس توجه نداشته باشد» (شهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۶۶). در زمان عبا، اصولاً کسی لباسی به نام پالتو نمی‌شناخت (شهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۶۹). چنانچه پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه می‌نویسد:

موقعی که برای صرف چای به چادر امین‌السلطان رفته بودیم برای او چند قطعه پارچه الوان به‌عنوان هدیه آوردند، به اشاره او من یکی را که از پشم‌های لطیف خراسانی بافته شده و رنگ روشن داشت برای خود برداشتم و از آن پالتوی بلندی درست کرده جهت حفظ خود از گردوخاک بسیار مفید واقع شد و هرکس هم که بخواهد در راه‌های غبارآلود ایران سفر کند باید چنین لباسی داشته باشد. (فوریه، ۱۳۶۲: ۱۶۱)

بنابراین عبا در ابتدا لباسی ضدآب و بالاپوش مخصوص روستاییان و مسافران بود که حافظ خوبی در برابر سرما، باد و باران به حساب می‌آمد (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۴). اما سرانجام در تاریخ تطور پوشش عصر قاجار، عبا به روحانیون مذهبی شیعه انحصار یافت. به این ترتیب بود که به تدریج چنین نقل‌قول‌هایی شکل گرفت: «روحانیون را می‌توان از روی لباس‌های عربی‌شان که از عبا، ردا و عمامه تشکیل می‌شود از سایر هم‌وطنانشان باز شناخت» (بروگش، ۱۳۷۴: ۷۸؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۴۳). یا در جایی دیگر ذکر می‌شود: علمای دین روی لباس خود روپوش گشاد عربی موسوم به عبا می‌پوشند که از موی شتر و به رنگ سیاه است و آب در آن نفوذ نمی‌کند (تصویر ۱۰). در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت: عبا، در شکل کلی، منسوج نمدی از پشم خودرنگ، بدون طرح و نقش و در طیف قهوه‌ای و مشکی یا کرم بود که بیشتر جهت پوشش مردان در زمستان و سفر به کار می‌آمد و در ابتدای عصر قاجار با افراد مسن، بازاریان یا حتی روستاییان با صحرانشینان نسبت بیشتری داشت اما در تداوم حکومت این سلسله تاریخی با از رونق افتادن بین عامه مردم به علمای دینی شیعه محدود شد.



تصویر ۱۰. روحانی قاجاری با پوشش عبای پشمی قهوه‌ای، موزه بریتانیا (لندن، منبع: URL7)



تصویر ۹. نواب خسرو خان با جبه‌های از پارچه ساده با حاشیه‌دوزی در سرآستین و پیش‌سینه لباس. موزه‌ای در فلسطین اشغالی (ورشلم، منبع: URL6)



کلیجه پوشیده می‌شد. پوششی که معمولاً در فصل گرما هرگز مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. در واقع کلیجه، روپوشی بود که بنا به درجهٔ گرما پوشیده یا کنار گذاشته می‌شد (موریه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۷۴). این نوع بالاپوش که از دورهٔ صفویه رواج یافت، بالاپوش بیرونی کوتاه با آستر خز بود که روی قباهای آستین‌بلند پوشیده شده و پیش‌تر به «کاتی» نیز مشهور بود (دبیا، ۱۳۹۱: ۲۰۶ و ۲۱۴). پارچهٔ کلیجه از جنس شال، برک یا پارچه‌های پشمی تهیه‌شده از پشم شتر و... بود که با نوار، حاشیه، سرآستین و یقهٔ ابریشمی یا پوست تزئین می‌شد. کلیجه یقهٔ برگردان بالهٔ پراق‌دوزی داشت (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۵۲). در واقع ایرانی‌ها روی قبا یا سرداری، کت دیگری می‌پوشیدند که آستین‌های آن کوتاه و به کلیجه مشهور بود. کلیجه را معمولاً از طرف شاه یا اربابان به‌عنوان خلعت به مستخدمین می‌دادند و چون از شال کشمیر دوخته و معمولاً با پوست بخارا آرایه‌بندی می‌شد، بسیار گران‌قیمت می‌نمود (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۲۸؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۸). یعنی ایرانیان متمول کت‌های زمستانی آراسته با پوست خز به تن می‌کردند که سراسر پیکر را می‌پوشاند (موریه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۷۵؛ ویلز، ۱۳۶۳: ۳۹). ایشان همچون همهٔ شرقی‌ها به حاشیه‌دوزی لباس‌ها یا آستر کردن آنها با پوست تمایل داشتند زیرا نه تنها برای گرم نگه‌داشتن خود که برای تجمل به کاربردن پوست غیرقابل اجتناب می‌نمود (دوگوبینو، ۱۳۴۱: ۱۱۶؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۱). پس دارایی اشخاص از کلیجه معلوم می‌شد که گاه از ماهوت‌اعلای انگلیسی و زردوزی و گاه از شال کشمیری بود (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۸۷). چنانکه اشخاص ثروتمند هنگام سرمای سخت خود را با پوست‌های فوق‌العاده زیبا می‌پوشاندند در حالی که افراد طبقات پایین در زمستان نیم‌تنهٔ کوتاهی از آستر پوست گوسفند به تن می‌کردند (دروویل، ۱۳۶۷: ۵۲؛ دیولافوا، ۱۳۳۲: ۹۶) و روستاییان نیز پوستین‌ها و نیم‌تنه‌های نمدی داشتند (فریزر، ۱۳۶۴: ۷۸). در هر صورت کلیجه‌ها در اوان دورهٔ قاجار یعنی مقارن با عصر آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه با انواع طرح و آگیره‌ای با نقش گیاهی (تصویر ۱۲) دوخته و زینت‌بخش اندام مردان متمول می‌شد. در دورهٔ محمدشاه نیز شواهد متعددی از استفاده پارچهٔ واگیره‌ای با نقش بته‌جقه (تصویر ۱۳) به فراخور فرم لباس به دست آمده است اما بنا بر اسناد مکتوب و مصور در نیمهٔ نخست حکومت ناصرالدین‌شاه استفاده از شال ترمه، احتمالاً به انواع طرح‌های واگیره‌ای و قابی (بندی به‌ویژه بندی شاخ‌گوزنی) در تهیهٔ کلیجه نسبت به سایر طرح‌ها

ترمه استفاده داشت، اما در نهایت پارچهٔ شال جای خود را به منسوجات تک‌رنگ سپرد که البته این‌بار با طیف رنگی محدود مثل سیاه، سفید و قهوه‌ای ظاهر می‌شد. در این کاربرد، سرداری، لباس قدامت‌اند و جایگزین آن بود که به تدریج از پارچه‌های بهتر و غالباً از ماهوت‌های سیاه، قهوه‌ای، آبی و گاهی آلبالویی انگلیسی تهیه شد و اواخر که شلواری از سر آن به پا می‌کردند (شهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۸۶). در ادامهٔ روند گسترش و پویایی سرداری، این نوع پوشش در طبقات پایین‌دست چنان فراگیری یافت که سرگرد انگلیسی عصر احمدشاه در اواخر دورهٔ قاجار می‌نویسد: «لباس روستاییان ایران نیز در عین سادگی، یک کت چین‌دار بلند شبیه به فراک بود که با یک کلاه بدون لبه کامل می‌شد» (فوربزلیث، ۱۳۶۶: ۳۳). بنابراین هر ایرانی، خواه غنی یا فقیر کت چین‌دار می‌پوشید. حتی کارگرانی که در مزارع کار می‌کردند و بچه‌هایی که سنشان حدود سه چهار سال بود، مثل بزرگ‌ترها از این نوع کت می‌پوشیدند. با این منظر، طرز لباس پوشیدن ایرانی‌ها به شیک‌پوشان انگلیسی شباهت داشت، فقط دامن چین‌دار کت‌ها به کمر چین اسکاتلندی‌ها بیشتر شبیه می‌نمود (ویشارد، ۱۳۹۹: ۱۶۵؛ دوران، ۱۳۹۸: ۴۱). این نحوهٔ پوشش در ادامهٔ تاریخ قاجار نیز ماندگار شد تا جایی که در مراسم تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه، وی در ساعاتی از مراسم، یک سرداری پوشید. نوعی نیم‌تنهٔ مشکی با چین‌های کوچک که تا یقه با دکمه‌ها بسته می‌شد. به همان ترتیبی که در زمان ناصرالدین‌شاه رواج گرفت (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۶۳) و بعدها این پوشش در دورهٔ مظفری و بعد از آن تا انتهای عصر قاجار ادامه یافت. دربارهٔ جزئیات صوری پارچه‌های سرداری احتمال می‌رود که در انواع طرح‌دار، نقش گیاهی به‌ویژه بته‌جقه جزء نمونه‌های محبوب به‌شمار می‌رفته است اما در ادامه، پارچه‌های ساده و صنعتی در دوخت سرداری فراگیری خاصی پیدا کرد و این روند تا زمان از رونق افتادن سرداری ماندگار شد. سرداری‌هایی که از پارچه‌های تک‌رنگ همچون سفید، قهوه‌ای و بیشتر مشکی و از جنس ماهوت دوخته می‌شد و هرچند به جهت محدودیت رنگی و شباهت جنسیتی (پشم)، پارچه‌های عبایی را یادآوری می‌نمود اما در واقعیت، گویای تأثیرپذیری از ویژگی‌های سبکی و پالت رنگی پارچه‌های مورد استفاده در دوخت کت‌های غربی بود.

کلیجه مردانه قاجاری

در بازهٔ وسیعی از عصر قاجار، رسم بر این بود که روی قبا یا کمرچین،



تصویر ۱۲. مرد قاجاری با کلیجه طرح‌دار بندی و نقش گیاهی طبیعت‌گرا. موزه بروکلین (نیویورک). منبع: (URL 9)



تصویر ۱۱. هم‌زمانی پوشش سرداری و قبا بر تن مردان قاجاری عصر ناصری (سه مرد با پوشش سرداری در میانهٔ تصویر). موزه بروکلین (نیویورک). منبع: (URL 8)



تصویر ۱۴. مردان قاجاری عصر ناصرالدین شاه با کلیجه‌های ساده و همین‌طور طرح‌دار واگیرهای و نقش گیاهی. کاخ موزه گلستان (تهران). منبع: (بر اساس آرشیو تصاویر موجود در موزه)



تصویر ۱۳. محمدشاه با کلیجه به طرح قلابی و نقش گیاهی بته جقه (ترمه). مجموعه خصوصی محفوظی. منبع: (URL 10)

کلیجه روی قبا پوشیده می‌شد. استفاده از جبه در نیمه نخست عصر ناصری به‌ویژه میان رجال حکومتی مقبولیت داشت. جبه را معمولاً با پارچه‌های پشمی ترمه به طرح‌های واگیرهای و با طیف رنگی قهوه‌ای و سورمه‌ای می‌شناسند. به موازات آن، عبا که در ابتدا وجهه‌ای عام داشت، پوشش پشمی سنتی خودرنگ و بی‌نقشی بود که به هنگام سرما و سفر پوشیده می‌شد اما آن نیز با رخت بر بستن از میان عامه مردم، صرفاً به علمای دینی محدود گشت و زمینه را برای ورود پالتو هموار ساخت. درباره دیگر بالاپوش قاجاری یعنی کلیجه آنکه روی قباها بلند و کوتاه و حتی بعدها سرداری پوشیده می‌شد و ضمن افزایش جلوه لباس مردانه، گرمابخش بدن در سرما به حساب می‌آمد. کلیجه خزدوزی شده و آستین‌های آن تا آرنج می‌رسید و در دوره فتحعلی شاه با طرح‌های واگیرهای و تنوع وسیع نقوش گیاهی در طراحی پارچه تهیه می‌شد اما نمونه‌های عصر محمدشاهی و بعد از آن بیشتر به استفاده از منسوجات ترمه یا ساده در دوخت کلیجه گواهی می‌دهد. به طوری که در دوره ناصری دوخت کلیجه به پارچه‌های ساده یا شال ترمه محدود گشت و در تداوم سال‌های نیمه دوم حکومت قاجاریان، به آرامی جای خود را به پوشش غربی پالتو داد. در نتیجه آنکه بررسی ویژگی‌های کیفی منسوجات کاربردی در بالاپوش مردانه عصر قاجار نشان می‌دهد: با کاهش قد لباس مردانه از میچ پا در قبا به قباهای کوتاه و بعد سرداری در زانو، طرح و نقش از پارچه‌های کاربردی در بالاپوش مردانه رخت بر بست و رنگ‌ها محدودتر شد. در تداوم این روند تحولی، دوخت جبه و کلیجه به‌عنوان روپوش تشریفاتی و بالاپوش رسمی زمستانی صرفاً با پارچه ترمه یا منسوجات بدون طرح و نقش در بازه رنگی محدود نسبت پیدا کرد یعنی گستره متنوع پارچه‌های کاربردی در تهیه کلیجه‌های عصر فتحعلی شاهی، جای خود را به شال ترمه یا حتی پارچه‌های ساده و بی‌نقش با رنگ‌های خنثی سپرد. با این قیاس، انواع گران‌بهای ابریشمین و زربفت نیز به تدریج ناپدید شد و با انواع پشمی و پنبه‌ای در سطح وسیع جایگزین گشت یعنی با ساده‌شدن بالاپوش‌های مردانه، منسوجات کاربردی در این مصرف نیز به آهستگی از طمطراق پیشین خود فاصله گرفت و در مسیر تازه‌ای افتاد (جدول ۱). امید است دیگر پژوهندگان با مطالعه در دیگر جزئیات پوشش مردانه در ادوار تاریخی که معمولاً در هجدهم مطالعات پوشاک زنانه نادیده مانده‌اند، زمینه‌های ارزیابی در این طیف از موضوعات مغفول را فراهم آورند.

و جنسیت‌ها پیشی می‌گیرد و استفاده از چنین منسوجاتی به موازات پارچه‌های بدون طرح و نقش دنبال می‌شود (تصویر ۱۴) تا در نهایت در تداوم فرمانروایی قاجاریان، به تدریج بالاپوش زمستانی کلیجه با پوشش غربی پالتو جایگزین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

اصلی‌ترین اجزاء تن‌پوش رویین مردانه در عصر قاجار مبتنی بر قبا و شال کمر، جبه یا عبا، سرداری و کلیجه بود که در طی این برهه تاریخی طولانی افزون بر یک‌صد و بیست سال برخی از آنها جایگزین بعضی دیگر شد تا سرانجام همگی آنها با رواج پوشش غربی کت و پالتو منسوخ گردید. درباره قبا آنکه از همان طلیعه حکومت آغامحمدخان با اندازه بلند به کار می‌آمد اما از دوره محمدشاه نسبت به کاهش قد آن تا زانو اقدام شد و روند این تغییر در عصر ناصرالدین شاه شکل صعودی به خود گرفت. پارچه قبا معمولاً تک‌رنگ بود و هرچند در دوره آغامحمدخان و فتحعلی شاه؛ انواع طرح‌دار واگیرهای، رواج داشت اما در همان ادوار و به‌ویژه در دوره فرمانروایان بعد یعنی محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه استفاده از منسوجات تک‌رنگ در بازه رنگی وسیع و در جنسیت‌های پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی مورد استقبال قرار گرفت به طوری که در یک تقریب کلی، قباهای کوتاه، تک‌رنگ شد. در آن ادوار معمولاً برای محکم کردن کمر گاه قبا از شال استفاده می‌شد که رایج‌ترین آنها طرح محرمات داشت. در مقابل، اوایل کمر بند چرمی، خاص نظامیان و وابستگان دربار به حساب می‌آمد اما از دوره ناصری و پس از آن اندک‌اندک کمر بند چرمی، شال کمر را از رونق انداخت. علاوه بر این، رواج سرداری در منسوخ‌شدن شال کمر بی‌تأثیر نبود چرا که در میانه دوره ناصرالدین شاه مقارن با اواسط عصر قاجار، سرداری به آهستگی با قبا جایگزین شد که جز در شکل رسمی و نظامی بی‌نیاز از کمر بند می‌نمود. درباره جنسیت سرداری هرچند به پارچه‌های ترمه اشاره شده است اما شواهد تصویری بر رواج گسترده پارچه تک‌رنگ و کارخانه‌ای در این مصرف گواهی می‌دهد. منسوجات پنبه‌ای و پشمی (ماهوت) که به تناسب فصل با رنگ‌های محدود سیاه، سفید و برخی از خاکستری‌های رنگی همچون قهوه‌ای که در قالب سرداری بر تن مرد قاجاری می‌نشست تا در نهایت در اواخر عهد قاجار یعنی سال‌های آخر حکومت احمدشاه با کت جایگزین شد. افزون بر موارد فوق، جبه، عبا و



جدول ۱. طرح، نقش، رنگ و جنسیت بالاپوش مردان قاجار.

جامه رویین	نوع کاربرد	زمان رواج کاربرد	انواع جنسیت پارچه	رنگ‌های رایج	طرح و نقش غالب
قبا	تمام اقشار جامعه (در سرتاسر دوران رواج قبا، نوع تمام‌قد بیشتر بین افراد مسن و بازاریان کاربرد داشت اما مدل نیمه یعنی تا زانو در دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه بین جوان‌ترها مرسوم شد).	از ابتدای قاجار تا زمان جایگزینی تدریجی با سرداری در میانه حکومت قاجار به‌ویژه در عهد ناصرالدین‌شاه.	پنبه‌ای (همچون قدک)، کرباس، ابریشمی (همچون تافته و زربفت)، پشمی (شال و برک، ماهوت انگلیسی).	در بازه رنگی وسیع همچون سبز، زرد، آبی، بنفش، قرمز، قهوه‌ای، سفید و ...	بدون طرح و نقش (از ابتدای عصر قاجار تا پایان دوره رواج قبا با سیر نزولی)
شال کمر (جزء تکمیلی قبا)	تمام اقشار جامعه غیر از نظامیان و کارمندان عالی‌رتبه دولت	از ابتدای قاجار تا زمان رونق کمر بند در دوره ناصری در میانه حکومت قاجار.	پشمی (شال کشمیر، شال کرمان، ماهوت)، پنبه‌ای (تکر رنگ همچون چلوار سفید یا منقوش، متقال)، کرباس، انواع چیت (قلمکار، موصلی، انگلیسی، هندی)، ابریشمی (لمل، زربفت).	در بازه رنگی وسیع همچون سبز (برای سادات)، آبی، قهوه‌ای، سفید و ...	با طرح محرمات و نقش گیاهی.
روپوش قبا	جبه	تمام اقشار جامعه به‌ویژه شاهزادگان، رجال دربار، مقامات دولتی.	پشمی (شال و ماهوت)، ابریشمی (زربفت) با رواج ویژه پارچه شال ترمه.	در بازه رنگی وسیع به‌ویژه طیف قهوه‌ای و همین‌طور آبی، سورمه‌ای، سبز، زرشکی، ارغوانی، سفید و ...	با طرح واگیرهای و نقش گیاهی (به‌ویژه بته جقه).
	عبا	بازاریان، کسبه، روستاییان، مسافران و روحانیون دینی مذهبی شیعه (با از رونق افتادن در بین عامه مردم، به علمای دینی شیعه انحصار یافت).	از ابتدای دوره قاجار تا زمان انحصار به علمای دینی شیعه (تقریباً تا میانه عصر قاجار) مقارن با پایان نیمه نخست حکومت ناصرالدین‌شاه همه‌گیر بود و بعد از آن جنبه نمادین پیدا کرد.	در طیف رنگی محدود همچون کرم، قهوه‌ای و مشکی به تناسب ماده اولیه (بیشتر پشم خودرنگ)	بدون طرح و نقش
سرداری	تمام اقشار جامعه به‌ویژه شاهان، شاهزادگان، نظامیان، کارمندان دولت و جوان‌ترها.	با از رونق افتادن تدریجی قبا در میانه عهد قاجار (مقارن با اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه) تا پایان فرمانروایی سلسله قاجار.	پشم (ماهوت، شال کشمیر، شال کرمان، ترمه زردوزی)، ابریشم (ساتین، پارچه‌های موج‌دار، مخمل، زربفت)، پنبه‌ای (چلوار رنگی، چیت و کتان) با رواج ویژه ماهوت پشمی، پارچه‌های صنعتی.	رنگ‌های محدود و بیشتر بی‌فام همچون سیاه و کرم (نظیر عبا اما به تأثیر از کت و شلوار اروپایی)	بدون طرح و نقش (پارچه‌های صنعتی و کارخانه‌ای)
روپوش قبا و سرداری	ثروتمندان، متمولین و طبقه متوسط جامعه.	از ابتدای عصر قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه و زمان رونق گرفتن پوشش غربی پالتو.	پشمی (شال کشمیر، شال کرمان، برک، ماهوت اعلای انگلیسی، پارچه پشمی زردوزی) به‌طور معمول با آستر پوست مرغوب.	در بازه رنگی وسیع همچون سبز، زرد، آبی، قهوه‌ای و ...	با طرح واگیرهای و نقش گیاهی (به‌ویژه بته جقه) و بدون طرح و نقش

پی‌نوشت‌ها

۱. Antoine Guillaume Olivier: (۱۸۱۴ - ۱۷۵۶). پزشک و سیاستمدار فرانسوی در عصر آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه.
۲. Kotzebue Maurice de: نویسنده آلمانی در عصر فتحعلی‌شاه.
۳. James Justinian Morier: (۱۸۴۹ - ۱۷۸۰). فرستاده دولت انگلستان در عصر فتحعلی‌شاه.
۴. James Baillie Fraser: (۱۸۵۶ - ۱۷۸۳). جهانگرد اسکاتلندی در عصر فتحعلی‌شاه.
۵. J. M. Tancoigne: فرستاده دولت فرانسه در عصر فتحعلی‌شاه.
۶. Edward Scott Waring: (۱۸۱۹ - ۱۷۴۷). جهانگرد انگلیسی در عصر فتحعلی‌شاه.
۷. Gaspard Drouville: (۱۸۵۶ - ۱۷۸۳). سیاستمدار انگلیسی عصر فتحعلی‌شاه.
۸. Alexis Soltykoff: (۱۸۵۹ - ۱۸۰۶). جهانگرد روسی در عصر محمدشاه قاجار.



۳۶. طرح شاخ گوزنی/درختی با نقش بته حقه، متداولترین طرح شال کشمیر است (عناویان، ۱۳۸۶: ۴۸) یعنی بر اساس رؤیت چنین طرحی در پارچه می توان مفروض داشت که هدف، نمایش شال کشمیر (در مقابل شال کرمان) بوده است.
- فهرست منابع فارسی**
- اسپروی، ویلفرید (۱۳۷۹)، *بچه‌های دربار*، ترجمه ف. شاهلویی‌پور، تهران: انجمن قلم ایران.
- استارک، فریا (۱۳۶۴)، *سفرنامه الموت و لرستان و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- البویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمدطاهر میرزا، تهران: اطلاعات.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران و بین‌النهرین*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه محمدحسین کر دیچه، جلد اول و دوم، تهران: اطلاعات.
- بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، *در سرزمین آفتاب*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵)، *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سپند.
- پوریختیار، غفار (۱۴۰۱)، پوشاک و نقش آن در انعکاسات تمایزات اجتماعی عصر قاجار بر اساس نظریه تمایز بورديو، *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۴ (۱): ۱۱۵-۱۴۶. Dor: 20.1001.1.23221941.1401.14.1.9.5
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، ژری. ام. (۱۳۸۳)، *نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه.
- تامسن، منصور (۱۳۸۹)، *طراحی نقوش سنتی*، چاپ دهم، تهران: سهامی خاص.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۷)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، تهران: شبانویز.
- دوراند، الا. ر. (۱۳۹۸)، *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- دو کوزتوئه، موريس (۱۳۶۵)، *مسافرت به ایران در دوران فتح‌علی شاه قاجار*، محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- دو گوینو، کنت (۱۳۴۱)، *نامه‌های ایرانی*، ترجمه عذرا غفاری، تهران: دهخدا.
- دو گوینو، کنت (۱۳۸۵)، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: نگارستان کتاب.
- دبیا، لیل (۱۳۹۱)، *دوران صفویان و قاجاریان، پوشاک در ایران زمین*، ترجمه پیمان متین، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- دیولافوا، ژان (۱۳۳۲)، *سفرنامه ایران و کلمه*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: خیام.
- رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر (۱۳۶۲)، *اسرار سقوط احمدشاه*، تهران: فردوسی.
- سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۹۸)، *سفرنامه سر پرسی سایکس*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
- سولتیکف، الکسیس (۱۳۳۶)، *مسافرت به ایران*، ترجمه محسن صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شهری، جعفر (۱۳۷۸)، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم*، چاپ سوم، تهران: رسا.
- شهشانی، سهیلا (۱۳۹۶)، *پوشاک دوره قاجار*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- عناویان، رحیم؛ عناویان، ژرژ (۱۳۸۶)، *ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر*، زیر نظر تومویوکی یامانوبه، تهران: فرهنگستان هنر.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۵)، *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، منوچهر
۹. Jean-Baptiste Eugène Napoléon Flandin (۱۸۰۹-۱۸۸۹) هنرمند و سیاستمدار فرانسوی در عصر محمدشاه.
۱۰. Joseph Arthur Gobineau (۱۸۱۶-۱۸۸۲). نویسنده، فیلسوف و سیاستمدار فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۱. Heinrich Karl Brugsch (۱۸۲۷-۱۸۹۴). فرستاده دولت آلمان به ایران در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۲. Isabella Bird Bishop (۱۸۳۱-۱۹۰۴). جهانگرد انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۳. Jakob Eduard Polak (۱۸۱۸-۱۸۹۱). جهانگرد آلمانی و پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه.
۱۴. Joannes Feuvrier (۱۸۴۲-۱۸۹۵). پزشک فرانسوی مخصوص ناصرالدین‌شاه.
۱۵. Dieulafoy Jane (۱۸۵۱-۱۹۱۶). مستشرق و باستان‌شناس فرانسوی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۶. Persi Molesworth Sykes (۱۸۶۷-۱۹۴۵). افسر انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۷. Lord George Nathaniel Curzon (۱۸۵۹-۱۹۲۵). مستشار انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۸. Charles Metcalfe McGregor (۱۸۸۷-۱۸۴۰). افسر انگلیسی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۱۹. John Wishard (۱۸۶۳-۱۹۴۰). پزشک امریکایی در عصر ناصرالدین‌شاه.
۲۰. Charles James Wills (۱۸۴۲-۱۹۱۲). پزشک و کارمند تلگراف انگلستان در عصر ناصرالدین‌شاه.
۲۱. Wilfrid Sparroy. معلم انگلیسی فرزندان ظل‌السلطان در عصر مظفرالدین‌شاه.
۲۲. Ella. R. Durand. عضو هیأت انگلیسی در عصر مظفرالدین‌شاه.
۲۳. Eugene Aubin (۱۸۶۳-۱۹۳۱). فرستاده دولت فرانسه به ایران در عصر مظفرالدین‌شاه و محمدعلی شاه.
۲۴. Albert Louis Hugo Grothe (۱۸۶۹-۱۹۵۴). جغرافی‌دان و قوم‌شناس آلمانی در عصر محمدعلی شاه.
۲۵. Francis Forbes Leith (۱۸۸۸-۹). سرگرد ارتش انگلیسی در عصر احمدشاه.
۲۶. Hermann Norden (۱۸۷۱-۱۹۳۱). جهانگرد امریکایی اوایل پهلوی اول.
۲۷. Dame Freya Madeline Stark (۱۸۹۳-۱۹۹۳). جهانگرد فرانسوی در اوایل پهلوی.
۲۸. طرح اصلی این پارچه‌ها بر مبنای محراب مسجد است.
۲۹. طرح اصلی این پارچه‌ها متشکل از ترکیبی در میانه طرح است. طرح تریخ‌دار بدون لچک یا همراه با آن است.
۳۰. ترکیبی است که ساختار کلی آن از تکرار منظم یک نقش در سرتاسر متن به وجود می‌آید.
۳۱. انواع آن به قاب‌قابی، خشتی و بندی شهرت دارد، نوعی قرینه‌سازی سراسری که زیرمجموعه واگیره‌سازی سامان‌دهی می‌شود.
۳۲. در این طرح، کل متن به راه‌های موازی تقسیم و در بیشتر موارد با نقش تزئین می‌شود.
۳۳. در طرح این گونه پارچه‌ها، از مناظر طبیعی، داستان‌های شاهنامه، وقایع تاریخی و غیره استفاده می‌شود.
۳۴. در این نوع پارچه، آیات قرآن کریم، ادعیه، دعای خیر و برکت و گاه نام هنرمند بافنده و تاریخ بافت پارچه به تصویر درمی‌آید.
۳۵. در این پارچه‌ها، تمام نقوش در متن پراکنده می‌شوند و هیچ‌یک از نقوش قرینه ندارد.



- امیری تهران، تهران: توس.
فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، تهران: اشراقی.
فوربز لیت، فرانسیس (۱۳۶۶)، *کیش مات*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: اطلاعات.
فوریه، ژوانس (۱۳۶۲)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
کرزن، جورج ن. (۱۳۶۲)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غ. وحید مازندرانی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
مافی تبار، آمنه؛ کاتب، فاطمه (۱۳۹۷)، بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری، *فصلنامه پژوهش هنر*، ۸ (۱۵)، ۸۷-۱۰۶. Dor: 20.1001.1.23453834.1397.8.15.3.8
مافی تبار، آمنه (۱۴۰۰)، پوشش زنانه و مردانه عصر ناصری در نگاره‌های هنر رویک شب صنایع‌الملک، *ماهنامه باغ نظر*، ۱۸ (۱۰۵)، ۱۱۱-۱۲۲. Doi: 10.22034/BAGH.2021.259728.4726
میمنی، مهتاب و اسدی، اعظم (۱۳۹۶)، *سیری در مد و لباس دوره قاجار*، تهران: الزهراء و مرکب سپید.
محمدی، منظر؛ سید احمدی زاویه، سید سعید (۱۳۹۷)، *سیمای مرد مدرن: تحلیلی بر تحولات لباس مردان در ایران عصر قاجار، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۸ (۱): ۱۸۱-۲۰۷. Doi: 10.30465/shc.2018.19381.1705
مک گرگور، کلنل ام. (۱۳۶۶)، *شرح سفری به ایالت خراسان*، جلد اول، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
موریه، جیمز (۱۳۸۶)، *سفرنامه جیمز موریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد‌های اول و دوم، تهران: توس.
مونسی سرخه، مریم (۱۳۹۶)، *پوشاک ایرانیان در عصر قاجار*، تهران: الزهراء و مرکب سپید.
نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، *زیر آسمان ایران*، ترجمه سیمین سمعی، تهران: دانشگاه تهران.
وارینگ، ادوارد اسکات (۱۳۹۷)، *سفر به شیراز*، ترجمه عبدالرضا کلمرزی و
- رضا صالحیان کوشک قاضی، تهران: نامک.
ویشارد، جان (۱۳۹۹)، *بیست سال در ایران*، علی پیرنیا، تهران: آبی پاریسی.
ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سید عبدالله، تهران: زرین.
ویلز، چارلز جیمز (۱۳۸۸)، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.

فهرست منابع لاتین

- URL1: <http://www.heritagemuseum.org/wps/portal/hermitage/digitalcollection/01.+paintings/78> (Access Date: 2022/10/31)
URL2: <https://www.heritagemuseum.org/portal/hermitage/digital> (Access Date: 2022/10/31)
URL3: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1931-1127-0-1 (Access Date: 2022/10/31)
URL4: <https://www.heritagemuseum.org/wps/hermitage/digital/collection/11>. (Access Date: 2022/10/31)
URL5: <http://malekmuseum.org/en/artifact/1393.02.00050/> (Access Date: 2022/10/31)
URL6: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Portrait_789.jpg (Access Date: 2022/10/31)
URL7: <http://www.textileart.com/Costumes-1258.htm> (Access Date: 2022/10/31)
URL8: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/161302> (Access Date: 2022/10/31)
URL9: <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/objects/100152> (Access Date: 2022/10/31)
URL10: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Mohammad_Shah_Qajar_Sahan (Access Date: 2022/10/31)